

دبیرخانه ی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران

یکشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۲۵ آوریل ۲۰۱۰

بیانیه ای در آستانه ی هفته ی معلم که هفت خواسته ی فرهنگیان کشور را اعلام نموده

متن کامل این بیانیه در زیر آمده است:

به نام خداوند جان و خرد

دوازده اردیبهشت را که در تقویم کشور روز معلم نامگذاری شده گرامی می داریم و بر روح معلمان شهید دکتر ابوالحسن خانعلی و استاد مطهری که در چنین روزی به شهادت رسیدند و هر دو قربانی خشونت عریانی شدند که هنوز هم جامعه ما از آن رنج می برد درود می فرستیم.

در جهان، معمول است در روزی که به نام معلم نامگذاری شده، معلمان اقدام به راهپیمایی، گردهمایی، طرح نقد و نظر و اندیشه های خود در حوزه آموزش و پرورش و بیان مسائل و مشکلات و تنگناهای شغلی خود می کنند.

در ایران فرصت چنین اقداماتی در قانون به افراد داده شده است ولی در عمل هر معلمی که بر اساس حقوق صنفی، انسانی و شهروندی خود و به تاسی از قانون اقدام به امور مذکور کند به مجازات هایی فراقانونی محکوم شده و داد او به جایی نخواهد رسید. که مصداق بارز آن در حال حاضر عدم رعایت نص صریح قانون اساسی و اصول ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۳۳ و ۳۸ در حق بهترین معلمان این کشور می باشد که در زندان ها بسر می برند.

فرهنگیان، با وجودی که خود از موثرترین گروه ها در پیروزی انقلاب و جنگ بوده اند معتقدند هیچ گروهی سهم ویژه از انقلاب ندارد که خود را مافوق قانون و انقلاب بداند و نظام را برابر با قواره ی خود تصور نماید و هر کس را که با سلیقه اش هم خوانی نداشت به مقابله با نظام متهم کند. یکی از اهداف انقلاب اسلامی مردم ایران برقراری فضای آزاد در کشور بود به گونه ای که همه ی آراء و اندیشه ها و نقد و نظرها به مصداق آیه ی شریفه "فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه" مجال طرح پیدا کند و هیچ مسوولی خود را مبرا از نقد نداند و در برابر اعمال خود و سرنوشت ملت

پاسخ گو باشد. آیا به این اهداف رسیده ایم؟ چگونه است امروز فرهنگ‌یانی که فرزندان حقیقی ملت بزرگ ایرانند و دل داده‌ی انقلاب، اسلام، عدالت و آزادی‌اند و دل در گرو کرامت انسانها و حفظ حقوق انسانی افراد دارند، صرفاً به خاطر طرح انتقادهای خود به مجازات‌های عجیب و غریب محکوم می‌شوند؟ "فاین تذهبون"؟

جریان قدرت عاجز از درک این واقعیت است که جامعه فرهنگیان از دریا و سالوس و مدح و ستایش برای هیچ صاحب قدرتی در نخواهند آمد و گوهر نقد را چون جان شیرین پاس خواهند داشت و کرامت آزادگی را که خدا به بنی آدم عطا کرده ارزان نخواهند فروخت.

از آنجا که برخی ایران را «آزادترین کشور جهان خوانده‌اند که در آن آزادی نزدیک به مطلق است» باید به این سوال پاسخ دهند که چرا دلسوزترین و صادق‌ترین معلمان کشور صرفاً به خاطر انتقاد از وضع موجود، با احکامی چون اعدام، حبس، تعلیق، اخراج، تبعید، بازخرید، بازنشسته اجباری، تنزل رتبه‌ی شغلی، محرومیت از تدریس و... مواجه می‌شوند. هزینه‌هایی که فرهنگیان ایران صرفاً به لحاظ انتقاد تحمل کرده و می‌کنند در جوامع پیشرفته، نشانه رشد و بالندگی و شایسته‌ی تقدیر و تحسین است.

فرهنگیان «آزادترین کشور جهان»!!! می‌خواهند بدانند امثال بدافی‌ها، خواستارها، داوری‌ها و مومنی‌ها چه جرمی مرتکب شده‌اند که باید بدون محکومیت، ماه‌ها حبس در شرایط نامناسب را تحمل کنند، حقوقشان قطع و فرزندان خردسالشان در سختی و مضیقه‌ی مادی، ناامنی و ناامیدی و سراسیمگی زندگی کنند. معلمانی چون کمانگر و قنبری چه گناه نابخشودنی مرتکب شده‌اند که به احکام هولناک اعدام محکوم گردیده‌اند.

اثر روحی - روانی این احکام بر خانواده‌ها و جامعه میلیونی فرهنگیان کشور زدودنی نیست و گذر زمان ایشان را مانند شهید ابوالحسن خانعلی به اسطوره‌های ماندگار ملی تبدیل خواهد کرد حتی با فرض پخش اعترافات از آنها در رسانه‌ها، افکار عمومی مردم و فرهنگیان چنین اعترافات را نخواهند پذیرفت.

مشفقانه مدیران و گردانندگان چنین سیاست‌هایی را انداز می‌دهیم که این اعمال به هیچ روی نه دردی از شما دوا می‌کند و نه در شأن نام جمهوری اسلامی است که همه‌ی ما برای برپایی و حفظ آن خون‌ها داده و خون دلها خورده ایم. بدیهی است لطمه‌ای که صدور چنین احکامی به دین، میهن و انسجام ملی می‌زند از هیچ دشمنی ساخته نیست چرا که لطمه‌ی بد دفاع کردن جبران‌ناپذیر است. چنین ساده‌اندیشانی به خاطر ضعف تحلیل و قوه‌ی تمیز و بدبینی مفرط، دچار

توهم توطئه شده و هر منتقدی را خصم پنداشته و خود را حق انگاشته
وهر استدلالی را باطل می دانند چرا که:
ذهن هایی که خیال اندیش شد/ گر دلیل آری خیالش بیش شد

ناگفته پیداست جامعه ی عظیم فرهنگیان کشور به هیچ روی تحمل چنین احکامی را ندارد و شکی نیست که اجرای چنین احکامی جامعه و آموزش و پرورش را بیش از پیش ملتهب کرده و روی هرگونه آرامشی را از عرصه فرهنگ خواهد گرفت.

صدور احکام رنگارنگ و زدن اتهامات واهی به فرهنگیان و تشکل های ایشان، روش نخ نمایی است که می خواهند با این اتهامات فرهنگیان و نمایندگان آنها را در موضع انفعال قرار داده تا به جای طرح مسائل ومشکلات حوزه آموزش و پرورش، درگیر پاسخ گویی به اموری بی ربط و بیهوده گردند تا از این طریق نیروهای آنها در دفاع از خویش صرف گردد و از مسیر اصلی و هدف اولیه تشکل های صنفی دور شوند.

امید است عقلای قوم با تدبیر و درایت آبی بر آتش التهابات افشانند و به خواست صدها هزار فرهنگی کشور توجه نمایند و به عنوان حسن نیت در گام اول همه ی فرهنگیان در بند را آزاد کنند.

با وجود همه ی این بی رسمی ها و جفاها در حق فرهنگیان کشور کماکان ناامید نشده و در عین ایستادگی بر حقوق خویش، بخشی از مسائل و مشکلات موجود در حوزه ی آموزش و پرورش را با تصمیم گیران کلان کشور در میان می گذاریم، با این امید که با اصلاح رویکردها، آموزش و پرورش در مسیر صحیح خود قرار گیرد.

بدیهی است ضمن انتقاد از بزرگ نمایی های مکرر و رسانه ای کردن موضوعاتی که فعلاً در حد حرف باقی مانده و نقاط ضعف و قوت آن روشن نیست، از هر اقدام مثبت و سازنده در جهت حفظ کرامت فرهنگیان و ارتقاء منزلت و معیشت ایشان کاملاً استقبال می کنیم و با نگاهی مثبت منتظر اجرایی شدن برخی وعده های رسانه ای شده مسوولان ذی ربط می مانیم.

۱- خط قرمز هر صنفی نقض حرمت، شأن و منزلت افراد آن است. لذا خواسته اولیه فرهنگیان کشور آزادی سریع و بی قید و شرط همه ی فرهنگیان در بند و صدور منع تعقیب قضایی و لغو کلیه ی احکام اداری و قضایی صادره برای فرهنگیان منتقد است، تحقق این امر ضمن تلطیف فضا و کاستن از تنش ها نشان از درایت و حسن نیت مسوولان امر و رویکردی انسانی در حوزه آموزش و پرورش دارد.

۲- رفع فضای امنیتی از مدارس و ادارات آموزش و پرورش، تأمین امنیت شغلی فرهنگیان و پرهیز از مخبرپروری در فضای مقدس کلاس و مدرسه و

- اجتناب از پرونده سازی برای فرهنگیان منتقد.
- ۳- اصلاح نگاه مسوولان و تصمیم گیران کلان کشور به آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد زیربنایی نه مصرفی.
 - ۴- عدم تخصیص درآمدهای ملی نفت و گاز به هزینه های جاری و صرف آن در امور زیربنایی مانند آموزش و پرورش و بهداشت.
 - ۵- پرهیز از هر گونه رفتار جناحی و خطی و سیاست بازی در تألیف کتب درسی و معیار قرارداد نظر همکاران متخصص.
 - ۶- فراهم آوردن امکانات لازم و در حد استاندارد در مدارس دولتی به منظور جلوگیری از تنزل جایگاه و افت تحصیلی مدارس دولتی مطابق اصل ۳۰ قانون اساسی.
 - ۷- رفع تبعیض درون و برون سازمانی در خصوص دارندگان مدارک تحصیلی فوق لیسانس و دکترا در آموزش و پرورش.

و اما سوالاتی که فرهنگیان کشور تأکید بر طرح آنها داشته و ضرورت پاسخ گویی متولیان امر را می طلبد:

- ۱- آیا قانون مدیریت خدمات کشوری (نظام هماهنگ) کارایی لازم را برای رفع تبعیض در بین کارکنان دولت داشته است؟
- ۲- آیا با وجود وعده های مکرر، آموزش و پرورش از عرصه بازی های سیاسی خارج شده است؟
- ۳- آیا تبدیل مدارس دولتی به مدارس تحت عنوان هیأت امنایی از وجاهت قانونی برخوردار است؟ اگر پاسخ منفی است چه اقدام عاجلی برای حفظ حقوق دانش آموزان و خانواده هایشان در دستور کار است؟
- ۴- طبق مصوبه ۶۷۳ شورای عالی آموزش و پرورش مدیران مدارس باید با رأی فرهنگیان شاغل در هر آموزشگاه انتخاب شوند. علت عدم اجرای این قانون چیست؟

و اما همکاران عزیز!

امیدواریم در بیانیه ی بعدی از گشایش ها و رفع مشکلات با شما سخن بگوییم. از شما تقاضا داریم در هفته معلم و در فرصت های استراحت در دفتر مدارس درخواست های زیر را رعایت فرمائید:

- ۱- از ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت ۸۹ اعضای شورای مرکزی (هیأت مدیره) کانون معلمان و فعالان صنفی به نشانه اعتراض به احکام غیرقانونی اعدام و حبس غیر قانونی همکاران و در روز ۱۲ اردیبهشت عموم همکاران اعتصاب غذای کامل خواهند نمود.

۲- فرهنگیان تهران در روز ۱۲ اردیبهشت از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۷:۳۰ بر سر مزار دکتر ابوالحسن خاندلی و در قم بر سر مزار استاد مطهری گرد هم می آیند. و در شهرستان های دیگر نیز از معلمان فرهیخته

تجلیل به عمل می آید.

با توجه به عضویت شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در سازمان آموزش بین المللی (ei) از آن سازمان درخواست می گردد اقدام مقتضی در حمایت از معلمان ایران خاصه معلمان زندانی به عمل آورد.

دبیرخانه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران - اردیبهشت ۸۹